## درگیری مسلحانه با ۲ کشته

مردی که طی درگیری مسلحانه دو نفر را کشته و چهار نفر را زخمی کرده بود در کمتر از ۲۴ ساعت، شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش جام جم، سرهنگ روح ا...گراوندی، فرمانده انتظامی دزفول دراین‌باره گفت: وقوع یک نزاع مسلحانه دریکی از روستاهای شهرستان دزفول سه‌شنبه به پلیس گزارش شد. بررسی‌های پلیس نشان داد دو نفر در این درگیری کشته و چهار نفر زخمی شدند که این افراد از سوی اورژانس به بیمارستان انتقال یافتند. پلیس در جست‌وجوی عامل این درگیری مرگبار بود که در کمتر از ۲۴ ساعت وی بازداشت شد. متهم در تحقیقات پلیسی اعتراف کرد باانگیزه اختلاف شخصی با سلاح کلاشینکفی که داشته، تیراندازی کرده و این جنایت رقم خورده است. سلاح مورداستفاده متهم در این درگیری خونین نیز کشف شد.

متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شد.

پشت صحنه یک جنایت

### گفت‌وگو با پسر جوانی که برای وصول طلب پدرش مرتکب قتل شد

# رفیق‌کشی به خاطر ۲/۵ میلیون تومان

معصومه ملکی
حوادث

**فرید ۲۵ ساله متهم است که روزهای پایانی بهار امسال در جریان درگیری با دوستش او را در یکی از محله‌های شرق تهران با چاقو کشته است. او بعد از چند ماه فرار در خانه‌ای ویلایی در شمال کشور بازداشت شد. متهم در تحقیقات مدعی شد، چون دوستش بدهی خود را به پدرش نداده او را به قتل رسانده است. متهم بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد. قرار است او به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران به اتهام قتل محاکمه شود. در «پشت صحنه یک جنایت» این هفته با او گفت‌وگو کردیم و بازپرس دادسرای جنایی تهران در یادداشتی ریشه‌های این جنایت را بررسی کرده است.**

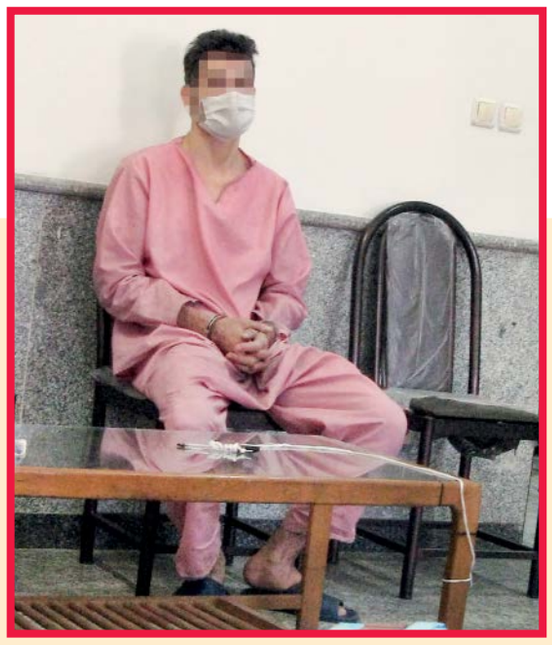

## آرزویم، آزادی است

**او اکنون روزهای زندگی‌اش را می‌شمارد تا به روز محاکمه که در انتظارش است برسد. باورش نمی‌شود که حمایت از پدر برای پس‌گرفتن طلب از مرد بدهکار دست وی را به خون او آلوده کند.**

***سابقه‌داری؟***

خیر. حتی پایم به کلانتری محل هم باز نشده است.

***مقتول را می‌شناختی؟***

بله. دوست قدیمی و صمیمی‌ام بود و فقط به خاطر پدرم با او اختلاف داشتم.

***چرا؟***

دوستم چند ماه قبل از قتل، از من پول قرض خواست اما من پولی نداشتم به او بدهم و برای او از پدرم دومیلیون و ۵۰۰هزار تومان قرض گرفتم. او قرار شد یک ماه نشده پول را پس دهد اما نداد. تلفن‌هایش را پاسخ نمی‌داد. از طرف پدرم، تحت فشار بودم که چرا نتوانسته‌ام پول را پس بگیرم. در مرامم نبود که از او شکایت کنم. در دوراهی سختی گیر افتاده بودم. حتی چند بار سر این ماجرا با پدرم دعوایم شد.

***از روز قتل بگو.***

هنوز با به یاد آوردن آن شب تلخ همه وجودم می‌لرزد و وحشت می‌کنم. آن شب به‌جای پدرم در مغازه‌اش بودم. دوستم را به طور اتفاقی در مقابل مغازه دیدم. بیرون آمده و سمتش رفتم و خواستم که بدهی را پس دهد که فریاد زد پولی به من قرض ندادی و مدرک بیاور. با شنیدن این حرف‌ها از کوره در رفتم. بازگشتم مغازه و چاقویی برداشتم و به سمتش رفتم. با هم گلاویز شدیم و چند ضربه چاقو به وی زدم. دستانم پر از خون شده بود. دوستم کف خیابان افتاده و مردم در حال نزدیک شدن به ما بودند. مقداری پول از مغازه برداشتم و فرار کردم. آخر شب با خانواده‌ام حرف زدم که فهمیدم دوستم فوت شده و پلیس در تعقیبم است. خواستند که تسلیم شوم اما به خاطر ترس از قصاص فرار و ارتباطم را با خانواده‌ام قطع کردم. یک هفته‌ای در پارک‌ها خوابیدم. بعد رفتم یکی از شهرهای شمالی که خانه دوست خانوادگی‌مان بود. هر از گاهی آنجا می‌رفتم و چند هفته‌ای در ویلایشان می‌ماندم. سه ماه آنجا بودم و با پس‌اندازم زندگی می‌کردم. به آنها گفتم بیمارم و دکترها گفتند باید در شهری با آب‌وهوای سالم زندگی کنم. به همین دلیل از تهران دور شدم. عاقبت هم پلیس رد خانه را یافت و بازداشت شدم.

***با خانواده‌ات ملاقات کردی؟***

بله. نامادری و پدرم هم در اداره پلیس و هم زمانی که زندان رفتم چند بار به دیدنم آمدند و قول دادند رضایت بگیرند؛ اما نمی‌دانم چه می‌شود.

***از روزهای زندان بگو.***

همه چیز برای زندانیانی مثل من یکنواخت و تکراری است. تا یک هفته از آب و غذا افتاده بودم. دیگر مجبور شدم عادت کنم. حالا خانه‌ام زندان و خانواده‌ام هم‌سلولی‌هایم هستند. حتی ماه‌های اول حضورم در زندان با چند قصاصی درگیر شدم و چند بار کتکم زدند که از ترس دوباره کتک‌خوردن و این‌که شبانه سراغم بیایند و بلایی سرم بیاورند سکوت کردم. آرزویمان قصاص نشدن و آزادی است.

***اهل فوتبالی؟***

زیاد فوتبالی نیستم اما عاشق تکواندو و کشتی هستم. حمید سوریان و هادی ساعی را خیلی دوست دارم و عاجزانه از آنها می‌خواهم که برای آزادی من با خانواده مقتول حرف بزنند تا شاید به خاطر آنها به من رضایت دهند.

***چرا مادرت به ملاقاتت نیامده؟***

زمانی که بچه بودم او از پدرم جدا شد و نمی‌دانم زنده است یا نه. هیچ خبری از او ندارم.

***با خانواده مقتول ملاقات کردی؟***

هنوز آنها را ندیدم. شاید در دادگاه ببینم و عاجزانه از آنها بخواهم مرا ببخشند.

## اقدام خودسرانه ممنوع

ساسان غلامی
بازپرس دادسرای جنایی تهران

**برخی از افراد به‌جای پناه بردن به قانون برای گرفتن حق خود، دادگاه خصوصی تشکیل می‌دهند و با گرفتن جان فردی خود را به دردسر می‌اندازند. در این پرونده متهم ۲۵ ساله، وقتی نتوانست طلب دومیلیون و ۵۰۰هزار تومانی که پدرش به دوست او قرض داده بود را پس بگیرد، به‌جای پیگیری موضوع از طریق قانونی، او را به قتل رساند. متهم معتاد نبوده و هیچ‌گونه سابقه کیفری نداشته اما به یکباره مرتکب قتل شده است. در واکاوی از زندگی شخصی او معلوم شد زمانی که وی کودک بوده، والدینش از هم جدا شده‌اند. پدر دوباره ازدواج کرده است. وی در این سال‌ها از نبود مادر رنج می‌برده و مشکلات عاطفی با او بوده است. پدر را هم مقصر این جدایی می‌دانسته و نتوانسته با او ارتباط درستی برقرار کند. زمانی که پول را فرد بدهکار پس نمی‌دهد، مورد سرزنش پدر قرار می‌گیرد. همچنین از طرف خانواده تحت فشار بوده و از سویی می‌خواسته پول را پس بگیرد تا اعتماد از دست رفته پدر را نسبت به خود به دست بیاورد. همین عوامل دست به دست هم دادند تا خشونت پنهان او ظاهر شود، دست به چاقو ببرد و بدهکار را به قتل برساند. مجازات او قصاص است مگر آن‌که رضایت خانواده مقتول را جلب کند.**

## کوتاه از حوادث

درگیری مرزبان هنگ مرزی زهک با قاچاقچیان مسلح منجر به شهادت یک مرزبان و زخمی‌شدن مرزبان دیگر شد. شامگاه سه‌شنبه نیروهای مرزبانی در محدوده شهرستان مرزی زهک با قاچاقچیان مواد مخدر درگیر شدند که در این درگیری در محدوده یکی از پاسگاه‌های مرزی شهرستان زهک یکی از مرزبانان مجروح و مرزبان دیگری به‌نام استوار یکم مسعود ناروئی به شهادت رسید. این شهید ساکن شهرستان زهک، متأهل و دارای ۳ فرزند است.

چهارعضو یک خانواده به دلیل گازگرفتگی در بخش یزدان‌شهر فوت شدند. فردی با پلیس بخش یزدان شهرتماس گرفت و اطلاع داد که گازگرفتگی در یک خانه مسکونی رخ داده است. ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر و مشاهده کردند که زن و شوهر جوان همراه دو فرزند ۵ و ۶ ساله‌شان هنگام استراحت در خانه به‌دلیل نشت گاز از وسیله گرمایشی دچار گاز گرفتگی‌شده و فوت کردند.

تعطیلی مدارس به دلیل کرونا باعث شد دزدان به ۳۰ مدرسه در خمینی‌شهر دستبرد بزنند. با توجه به شیوع بیماری کرونا و آنلاین‌شدن کلاس‌های مدارس، سارقان هم بیکار نمانده و به بیش از ۳۰ مدرسه در خمینی‌شهر رفته و از آنجا سرقت‌هایی را مرتکب شدند.

مرد جوان بعد از قتل همسرش اقدام به خودکشی کرد که ناکام ماند و روانه بیمارستان شد. فردی باپاسگاه انتظامی بلدستی شهرستان دهگلان تماس گرفت و از درگیری در خانه همسایه خبر داد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند، مشاهده کردند زن ۲۱ ساله‌ای با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و شوهرش نیز به‌خاطر ضربه‌های چاقویی که به خودش وارد کرده زخمی شده است. جسد به پزشکی‌قانونی و فرد زخمی به بیمارستان منتقل شد. مرد در ادامه تحقیقات و زمانی که در بیمارستان به‌هوش آمد به پلیس گفت به خاطر اختلاف خانوادگی زنش را کشته و می‌خواسته خودکشی کند که زنده مانده است.

## مرگ سرنشین ۲۰۶ در آتش

واژگونی و آتش‌گرفتن خودرو منجر به مرگ یک نفر و مصدومیت فرد دیگری شد.

به گزارش جام جم، ساعت ۲ و ۱۶ دقیقه بامداد چهارشنبه حادثه واژگونی خودرو و شعله‌ور شدن آن در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان به آتش‌نشانی تهران گزارش شد و آتش‌نشانان در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که پژو ۲۰۶ با دو سرنشین که مرد جوان بودند به دلایلی نامعلوم از مسیر خارج شده و پس از برخورد با گاردریل‌های بزرگراه وارد لاین مخالف شده و با تصادف با کامیون، واژگون و آتش‌گرفته است. این تصادف یک کشته و یک مجروح برجای گذاشت.

## دام سیاه روانشناس قلابی برای دختر نوجوان

دوستی اینستاگرامی با دانشجوی انصرافی روانشناسی، دختر نوجوان را در دام سیاهی گرفتار کرد. پسر جوان پس از فریب طعمه‌اش او را مورد آزار شیطانی قرار داد.

به گزارش خبرنگار جایی جام‌جم، بیست ویکم آذرامسال خانواده‌ای به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران رفته وشکایت کردند که دختر ۱۵ ساله‌شان با برداشتن طلاهای خود و مادرش خانه را ترک کرده است.

با تحقیقات پلیسی معلوم شد، دختر نوجوان در اینستاگرام و واتس آپ فعال است و مدتی با دختری در فضای مجازی دوست شده که پلیس روی این موضوع تحقیق کرد اما معلوم شد دوست مجازی او یک پسر است. تحقیقات ادامه داشت تا رد آنها دوروز بعد در یک طلافروشی در یکی از شهرهای شمالی کشور به دست آمدکه آنها پس از دستگیری به تهران منتقل شدند. دختر نوجوان در تحقیقات پلیسی گفت: پیش از این با پسری دوست بودم که جداشدیم و حاضر نبود بازگردد. در اینستاگرام با دختری آشنا شدم و با وی درددل می‌کردم وماجرای زندگی‌ام را می‌دانست. حتی می‌گفت زندگی‌ام طلسم شده و باید نزد رمال بروم. وقتی با او ملاقات کردم فهمیدم دختر نبوده و یک پسر است. می‌گفت به من علاقه دارد و می‌خواهد با من ازدواج کند. مدعی بود در زمینه روانشناسی فعالیت دارد ودر مطبی کارمی‌کند که به خاطر کرونا در فضای مجازی کارش را ادامه می‌دهد. فریب حرف‌هایش را خوردم و خواست که با هم فرار کنیم. درادامه با تحریک او طلاهای خودم و مادرم را که تعدادی پلاک، گردنبند طلا وانگشتر، دستبند وگوشواره‌هایی بود را در کوله‌پشتی ریخته و از خانه بیرون آمده و به پایانه شرق تهران رفتم و او هم به محل قرار آمد. مرا به خانه‌ای ویلایی در شمال کشور برد. در را قفل کرد و طلاهایم را دزدید. بعد هم به زور مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. روز بعد مرا با خودروی عبوری به خانه روستایی برد. از ترسم سکوت کرده بودم. می‌خواست طلاها را بفروشد که مغازه‌دار شک کرد و لو رفتیم. می‌گفت باید با تهدید به خودکشی خانواده‌ام را مجبور کنم به او رضایت دهند.

در ادامه پسر جوان هم به ماموران گفت: ما ۶ماه در اینستاگرام و واتس‌اپ ارتباط داشتیم. دانشجوی انصرافی روانشناسی هستم. قصد داشتم با وی ازدواج کنم. با خانواده‌اش سازگاری نداشت و همیشه درگیر بود. تحمل آن زندگی را نداشت. تجاوزی در کارنبود و برای تفریح به شمال رفتیم.

بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تائید این خبر به جام‌جم گفت: متهم به اتهام آدم‌ربایی به عنف در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

## شلیک پلیس برای دستگیری دزد خشن

سارق زورگیر که با تهدید چاقو موبایل قاپی می‌کرد، با شلیک پلیس زمینگیر شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، روز سه‌شنبه ماموران کلانتری ۱۰۱ در حال گشتزنی در محدوده خیابان خزر متوجه فریادهای شهروندی شدند که تلفن همراهش سرقت شده بود. با تحقیق از مالباخته مشخص شد موتورسواری گوشی او را سرقت کرده است. با مشخصاتی که از جوان سارق به دست آمد، طرح مهار در محله اجرا شد و ماموران موفق شدند او را شناسایی کنند. متهم وقتی پلیس را در تعقیب خود دید، با حرکات مارپیچ سعی کرد از محل فرار کند. پس از تعقیب و گریز، ماموران با شلیک تیرهوایی او را متوقف کردند. در بازرسی از متهم، تلفن همراه سرقتی کشف شد. سارق به کلانتری منتقل شد که در بازجویی‌ها به ۷۰ فقره زورگیری با تهدید چاقو اعتراف کرد و گفت: با پرسه‌زنی در خیابان‌های خلوت از غفلت شهروندان که در حال مکالمه تلفنی بودند، سوءاستفاده و موبایل آنها را سرقت می‌کردم. اگر مقاومت می‌کردند، باچاقو تهدیدشان می‌کردم.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اشاره به این خبر گفت: متهم در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات برای شناسایی مالباختگان ادامه دارد.

## ضربه مشت پسر ورزشکار جان بچه‌محلش را گرفت

**پسر ورزشکار که با ضربه مشت، باعث مرگ بچه‌محلش شده بود در جلسه دادگاه مدعی شد، من به صورت دوستم ضربه زدم و زمین خوردن باعث مرگش شد.**

**به گزارش خبرنگار جام جم، دو سال قبل زنی با مراجعه به ماموران پلیس تهران از قتل پسرش در جریان یک درگیری خبر داد و به ماموران گفت: پسرم با یکی از دوستانش به نام رامین درگیر شد و به کما رفت. بعد از ۹ روز پسرم دوام نیاورد و جان باخت. پس از این شکایت، رامین دستگیر شد که در بازجویی‌ها قبول کرد با پویان درگیر شده اما مدعی شد قصد قتل نداشته و ضربه نیز کشنده نبوده است.**

**با تکمیل تحقیقات در دادسرا، برای متهم به قتل کیفرخواست صادر و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده، مادر پویان برای قاتل پسرش درخواست قصاص کرد و گفت: پویان را به‌سختی و دست‌تنها بزرگ کردم. روز حادثه با من تماس گرفتند و گفتند پویان را به بیمارستان آورده‌اند. هراسان خودم را به آنجا رساندم. پسرم در کما بود و از طریق پرستاران متوجه شدم جوانی به نام رامین او را به بیمارستان آورده است. او با ضربه مشت به صورت پسرم مرگش را رقم زد و حاضر به بخشش نیستم و قصاص می‌خواهم.**

**در ادامه رامین در جایگاه قرار گرفت و با رد اتهام قتل عمدی گفت: قبول دارم ورزشکارم و مشت‌هایی قوی دارم اما با انگیزه قتل، پویان را نزدم. ما از بچگی همدیگر را می‌شناختیم. مدتی بود پویان قصد داشت با من دعوا کند. حرف‌هایی می‌زد تا مرا عصبانی کند. من به رفتارش اهمیت نمی‌دادم. روز حادثه دستم را گرفت و گفت بیا با هم دعوا کنیم. اهمیت ندادم که فحاشی و به سمتم حمله کرد. من هم عصبانی شده و یک مشت به چانه‌اش زدم که عقب‌عقب رفت و روی زمین افتاد و از سرش خون آمد. فکر کنم به خاطر زمین خوردن به سرش ضربه وارد شد. خیلی ترسیدم و با اورژانس تماس گرفتم و خودم پویان را به بیمارستان انتقال دادم. قبول دارم به خاطر این‌که ورزشکارم ضربه‌های مشتم قوی است اما ضربه را به چانه‌اش زدم. هیچ دلیل و انگیزه‌ای برای قتل پویان نداشتم و به همین خاطر اتهام قتل عمدی را قبول ندارم.**

**متهم ادامه داد: شاهدانی برای تایید حرف‌هایم دارم. آنها دیدند که پویان درگیری را آغاز کرد و من به صورت او ضربه زدم. من ضربه‌ای به سرش نزدم و احتمال می‌دهم زمین خوردن باعث خونریزی و مرگش شد.**

**پس از دفاعیات متهم به قتل و وکیل مدافعش، قضات دادگاه کیفری استان تهران وارد شور شده و پرونده را به دادسرا بازگرداندند تا مشخص شود ضربه مشت رامین کشنده بوده یا زمین خوردن باعث ضربه به سر او شده است.**

**همچنین از شاهدان ماجرا درباره ادعای متهم تحقیق شود.**

آگهی تغییرات شرکت
پارس کالا گستر ماد با مسئولیت محدود
به شماره ثبت ۴۶۱۰۹۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۴۲۸۸۴۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم سهیلا ریاحی به شماره ملی ۰۰۵۵۰۴۲۶۱۹ به سمت رئیس هیات‌مدیره، آقای کورش محمدی به شماره ملی ۳۷۳۰۲۳۱۵۵۳ به سمت مدیرعامل و نایب رئیس هیات‌مدیره و خانم شرافت بهرامی ترانی به شماره ملی ۳۷۳۲۳۴۶۷۷۳ به سمت عضو هیات‌مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۰۶۲۲۰۶)

تاسیس موسسه
غیر تجاری اندوخته پیشکسوتان
افق مهر در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۵ به شماره ثبت ۵۰۸۵۸ به‌شناسه ملی ۱۴۰۰۹۶۵۰۸۱۶ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. نام: اندوخته پیشکسوتان افق مهر موسسه غیر تجاری موضوع فعالیت: انجام اقدامات مثبت موثر برای ایجاد منفعت و حفظ ارزش سرمایه و دسترسی آسان اعضا به منابع مالی خود در چارچوب روش‌ها و ارزش‌های کارآمد اجتماعی و اقتصادی با جهت‌گیری‌های زیر خواهد بود: - تشویق و ترغیب اعضا به مشارکت در افزایش میزان اندوخته‌های خود در موسسه - ارائه خدمات و مشارکت در بخش‌های مختلف اقتصادی - ارائه خدمات و مشاوره در زمینه مشارکت و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری و موسسات غیر تجاری و بازار سرمایه جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در بخش‌های مختلف آن. در صورت ضرورت پس از اخذ مجوزهای لازم. مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران - منطقه ۱۵، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله ایرانشهر، خیابان ایرانشهر، کوچه شهید علیرضا برفروشان، پلاک ۲۰، طبقه اول، واحد ۱ کدپستی ۱۵۸۳۶۶۹۱۱۶ دارایی شخصیت حقوقی ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال نقدی مدیران آقای سیدمنصور یوسفی خونساری به شماره ملی ۰۰۴۵۱۴۰۰۵۷ و به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره به مدت ۲ سال آقای حسین میرآبادی به شماره ملی ۰۰۵۰۹۶۹۷۰۶ و به سمت نماینده قانونی به مدت ۲ سال آقای محمدتقی شریعتی به شماره ملی ۱۱۸۹۷۵۴۸۷۸ و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای حسین میرآبادی با شماره ملی ۰۰۵۰۹۶۹۷۰۶ به نمایندگی از کانون صنفی بازنشستگان بنیاد شهید و امور ایثارگران به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۸۱۵۷۵ و به سمت عضو اصلی به مدت ۲ سال آقای یوسفعلی شکری به شماره ملی ۱۵۳۳۳۵۲۰۰۳ و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای هادی قلم‌نویس به شماره ملی ۲۱۶۱۳۸۸۴۰۱ و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای حبیب عابدی به شماره ملی ۲۷۰۹۵۳۲۳۳۶ و به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره به مدت ۲ سال آقای محمد اسمعیل رضایی به شماره ملی ۳۶۲۰۹۴۰۵۸۴ و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای جعفرعلی اکبری به شماره ملی ۳۷۸۱۳۳۱۲۸۸ و به سمت رئیس مجمع به مدت نامحدود و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای علی حیدر شیراوند به شماره ملی ۳۹۶۲۴۲۵۹۸۵ و به سمت عضو هیات امناء - عضو اصلی به مدت نامحدود آقای مهدی علی قنبری به شماره ملی ۴۲۸۰۶۸۱۲۴۴ و به سمت رئیس هیات‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره به مدت ۲ سال آقای محمود درخشان به شماره ملی ۴۹۱۰۳۴۱۰۴۸ و به سمت نایب رئیس هیات‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره به مدت ۲ سال آقای امیر بهنام جوشقان قالی به شماره ملی ۵۶۰۹۶۶۷۵۷۷ و به سمت عضو اصلی هیات‌مدیره به مدت ۲ سال و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیات‌مدیره و مهر موسسه معتبر خواهد بود و سایر مکاتبات با امضای مدیرعامل و مهر موسسه انجام می‌شود. بازرسان آقای حسن عسگری به شماره ملی ۰۰۳۶۶۳۱۴۵۰ به سمت بازرس اصلی به مدت ۱ سال روزنامه کثیر الانتشار جام‌جم جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور، به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۰۶۲۲۳۴)